

شاعر از مفهوم بیمارستان چه حاصلی می‌خواهد برچیند؟ جز درد و جز همسایگی با مرگ. هر گاه که درد او را بیچاره می‌کند به تختی نمی‌گردد که در آن مرگ آرمیده است. بدون هیچ بالشت و رواندازی، آشکار و پرخاشجو. با چشمانی وق زده، گویی خود زیر بار خستگی مرده است. مفاهیمی که در شعرهای ساوجی می‌توان سراغ گرفت، آشکارا اندیشه مرگ است و بدون اینکه خود بخواهد ترس را القا می‌کند و دیگر تنهایی است که ناگزیر با آن کنار آمده است. و گاهی می‌توان گفت که عاشقانه دوستش می‌دارد و این تنهایی خود تعزلی شادمانه است. وای از آن زمان که در اوج تنهایی به تاریکی روح نیز بیندیشی، آنگاه حاصل شعری می‌شود زیبا به نام «تکه‌ای از تاریکی». در ذهن شاعر تاریکی همانند ماه‌ای است که تازه منجمد شده است و می‌توان قطعه‌ای از آن را با کارد برد.

جای چشم‌هایم/ در آینه خالی‌ست/ جای لب‌هایم/ گونه‌هایم/ موهایم/ در آینه خالی‌ست دستم را بالا می‌آورم/ لب‌هایی را لمس می‌کند/ گونه‌هایی را/ چشم‌هایی را/ و موهای را/ که نیست می‌بینم/ کسی در آینه خالی‌ست.
*
دردهایی را در من/ زنجیر کرده‌اند/ استخوان‌هایی را در من/ زنجیر کرده‌اند/ قلبم را در من/ زنجیر کرده‌اند/ زندگی را در من زنجیر کرده‌اند
در خانه/ هیچ کس نیست/ هیچ کس به جای من/ فکر می‌کند/ به جای من غمگین است/ به جای من / راه می‌رود/ به جای من/ روزنامه می‌خواند/ و روی مبل راحتی/ به خواب…
*
هیچ کس نمی‌تواند/ ماه را/ به تاریکی ببندد/ هیچ کس نمی‌تواند/ درخت را/ به پاییز/ هیچ کس نمی‌تواند/ روخانه را/ به خاک ببندد
تکه‌ای از تاریکی/ به دستم چسبیده است و/ کنده نمی‌شود.

شاید این شعر زندگی‌نامه خودنوشتی باشد برای حالاتی خاص. گویی در اوج ناامیدی سروده شده است. در این شعر شاعر به دنبال رهایی است و از اینکه به درها، استخوان‌ها و حتی به قلبش زنجیر کرداند می‌نالَد و سطور بعد مفاهیمی آشنا که انگار قبلاً خوانده یا خودم نوشته باشم. بیگانگی حتی از وجود خود و نشانختن خویشتن خویش. گم کردن و پیدا نشدن. بیبود نیست که در آینه چشم‌خانه را تهی می‌بیند. گویی غباری از مرده‌ای که سالیان بر او گذشته باشد. شعر سراسر ناامیدی است. انگار کورسویی از هیچ جانب نمی‌تابد. انگار که در خلأ زندگی کنی. اما شاعر در این بجبوحه یأس و دلمردی به ناگهان شعار سر می‌دهد که حالی مبارزه‌جویانه دارد و مفهومی از یک نوع زندگی را القا می‌کند که امید به بهروزی در آینده است.

هیچ کس نمی‌تواند/ ماه را/ به تاریکی ببندد/ هیچ کس نمی‌تواند/ درخت را/ به پاییز/ هیچ کس نمی‌تواند/ روخانه را/ به خاک ببندد
تکه‌ای از تاریکی/ به دستم چسبیده است و/ کنده نمی‌شود.

شاید این شعر زندگی‌نامه خودنوشتی باشد برای حالاتی خاص. گویی در اوج ناامیدی سروده شده است. در این شعر شاعر به دنبال رهایی است و از اینکه به درها، استخوان‌ها و حتی به قلبش زنجیر کرداند می‌نالَد و سطور بعد مفاهیمی آشنا که انگار قبلاً خوانده یا خودم نوشته باشم. بیگانگی حتی از وجود خود و نشانختن خویشتن خویش. گم کردن و پیدا نشدن. بیبود نیست که در آینه چشم‌خانه را تهی می‌بیند. گویی غباری از مرده‌ای که سالیان بر او گذشته باشد. شعر سراسر ناامیدی است. انگار کورسویی از هیچ جانب نمی‌تابد. انگار که در خلأ زندگی کنی. اما شاعر در این بجبوحه یأس و دلمردی به ناگهان شعار سر می‌دهد که حالی مبارزه‌جویانه دارد و مفهومی از یک نوع زندگی را القا می‌کند که امید به بهروزی در آینده است.

بیمارستان

شعرهای ۱۳۹۰ تا ۹۳
سروده‌ی: مهدی مظفری ساوجی
نشر چشمه – ۸۳ صفحه – ۶۵۰۰ تومان



بخش بست‌های بیمارستان

بعضی‌هایی را به سنگینی کوه/ جابه‌جا باید از شاعر پرسید که آیا مرگ از هم می‌گسلد! چیزی – پدیده‌ای که همه چیز را از هم می‌گسلاند چگونه در جبهه‌های کوچک چوبی به اسارت ما در می‌آید؟!
تعبیر مرگ به صاحب خانه‌ی زنگی زیباست. مرگ مدت‌هاست که پشت در ایستاده است.

* «از چشمی در ایرون را نگاه می‌کنم/ صاحب خانه‌ی زندگی‌ست/ مرگ کاش مرگ نیز به صورت ماهبانه طلیش را می‌گرفت و می‌رفت. کاش سر رسید اجاره‌نامه‌اش از سالیان هم می‌گذشت آنگاه آدمی درمی‌یافت که چگونه باید از زندگی لذت برد.

* وقتی که جان/ گریخته باشد از تن/ وقتی که من/ گریخته باشد از من!
* تنها انسان است که می‌تواند/ مرگ را/ در جبهه‌هایی کوچک چوبی/ بسته‌بندی کند/ و

نبتی و دادگستری

بیمارستان ساعات‌ها چشمش به نور مهتابی‌های آزار دهنده نباشد نمی‌تواند مفهوم این اشعار را درک کند هر چند که مظفری ساوجی مکان خود را دائم تغییر دهد. آیا آپارتمان تنهایی نیز جزیی از بیمارستان نیست. پس افسردگی که جزء امراض مهم است در کجا خودش را آشکار می‌کند؟

بیشتر شعرها مفهوم خستگی و درد و تنهایی و اندیشیدن به مرگ را همراه با خود دارند و تفکیک آنها از یکدیگر دشوار می‌نماید. اما بعضی از آنها نثرهای ساده‌ای بیش نیستند. به مثال پرنده‌ای که در بلندی آسمان پرواز کند و آدم نفهمد که چه رنگی است و اصلا نامش چیست، فقط تصوّر پرنده در ذهن تداعی می‌شود بدون آنکه اثری بر او بگذارد. شاید بتوان آن را شعرهایی ساده نامید. البته این گمان نگارنده است. طبیعی است که نمی‌تواند مزاحم افکار دیگران باشد و قضاوت بکند. و آنها را توضیح واضحات نداند!
* «چه فرقی می‌کند/ پازلی که چند تکه از آن گم شده باشد/ یا کهنه کنای/ که چند ورق از آن/ پیدا (ص ۵۰)

* «نسیم/ شکوفه‌ها را/ به رقص آورده است/ یا شکوفه‌ها/ نسیم را؟ (ص ۵۶)
* «شاخه‌ای که فکر می‌کردم/ برف/ بر آن نشست/ از شکوفه‌های سفید پر است (ص ۵۷)
* «کمی خمیبر/ کمی مقول/ و اندکی زرد و قرمز و آبی/ این گونه ما/ بهار را/ تولید می‌کنیم/ در کارخانه‌ها (ص ۵۶)
چند اثر نیز به جملات قصار مانند است تا شعر * «تنهایی/ درختی است در پاییز/ هر چه دستش را دراز می‌کند/ به برگ‌هایش نمی‌رسد (ص ۶۳)
* «سی و هفت سال است/ زندانی‌ام/ در سلول‌های تنم (ص ۷۱)
* «روز می‌چیند/ مهره‌هایش را/ شب/ مهره‌هایش را می‌چیند/ و می‌گذرد/ در سایه کیش و ماتی/ که اسمش را/ گذاشته‌ایم زندگی (ص ۸۰)

و اما شعرهای روزها – فردا – پنجشنبه‌ها، از جنسی دیگرند، معلوم است که شاعر درنگی خیام‌وار بر گذشت زمان دارد. و درست می‌گوید که زندانی لحظه‌هایی است که در او درنگ دارند. از این میان «پنجشنبه‌ها» را برای شما انتخاب کرده‌ایم تا شعر ناب را مَرَمَزه کنید!
* مگر چند سال می‌شود/ هر روز/ با یک جنازه/ پیدار شد/ سر سر حیفه‌ها نشست/ به کارخانه یا اداره رفت/ روزها را بسته‌بندی/ هفته‌ها را/ بایگانی کرد؟

مگر چند سال می‌شود/ هر روز/ به ریسمان نایه‌ها چنگ زد/ به دامن نان/ آویخت/ و از میان واژه‌های این همه خالی/ به خزانه‌های آه/ پناه برد؟
چند سال می‌شود مگر/ یک روح مرده را/ نگه داشت/ در سردخانه‌ی تن

* «اگر نبود/ این گلدان کوچک/ با موسیقی معطر گلپایش/ که هر شب/ در خانه پخش می‌شود/ چگونه آب می‌گردیم/ سکوت سنگی این برف‌های پر شده از شب را؟ (ص ۴۵–)

لزوم تنهایی نگاهی عمیق و پرسشگر به اشیای پیرامونی است که گاه به شکل هایکویی زیبا رخ می‌نماید.
* «از من گذشته/ به گلدان روی میز/ نزدیک شده/ پاییز (ص ۴۸)
شاعر ناپرهیزی هم می‌کند. دمی از حدیث نفس و دلمویه برای خود دست برمی‌دارد و به افق‌های دیگر نگاه می‌اندازد.
* «آخرین تکه‌های آنها/ در حال آب شدن است/ تخت جمشید/ آدراپانا/ اکروپلیس…/ انگار همه‌ی قصرها را از یخ ساخته‌اند. (ص ۵۵)
ببینید شاعر با چه دردهایی روبروست که دست به دامان تنهایی می‌شود.

* «تنهایی! آه/ تنهایی! اگر تو را هم نداشتم/ اگر تو را هم نداشتم (ص ۵۴)

مسأله مهمی که در شعرهای مظفری ساوجی خود را نشان می‌دهد بوچی و بیهودگی است که منجر به نوعی یأس فلسفی می‌شود. شعرهای ص ۱۵ – ۱۹ – ۲۰ – ۲۴ – ۲۷– ۲۸ – ۶۱ این دلمردی را به خوبی نشان می‌دهد. مخصوصاً شعر «سبزیف»
* «از پله‌ها/ بالا می‌روم/ هر شب/ هر روز/ پله‌ها/ از من/ پایین می‌آیند.

در طبقه آخر یک آپارتمان/ زندگی می‌کند او/ و این تخته سنگ سرگردان را/ هر شب/ از پله‌ها/ بالا می‌برد (ص ۶۱)
* «بی آنکه بدانیم/ سرگرم بالا بردن دیوارهایی هستیم/ که دور خود کشیده‌ایم/ و پنجره/ آن قدر ماند در ذهن‌مان/ که بو گرفت/ بر دیوار/ و پرده/ پارچه‌ای شد/ که روی مرده‌ای/ کشیده باشند.

از خنده و گریه‌ها/ تنها/ خطه‌های مورّب و نامفهوم/ بر لب‌هایمان/ به جا مانده است/ و دردها/ لباس‌هایی شدند/ که بر تن‌مان/ زار می‌زنند
ما/ قالب‌های مجسمه‌هایی هستیم/ که هر روز/ پر می‌شویم/ از قیافه‌های حق به جانب خالی/ فکرها‌ی راكد خالی/ غم‌های کهنه‌ی خالی/ و لیکنده‌های مضحك خالی/ در اتاق‌های گوشه‌گیر/ در اتاق‌هایی بی‌سرنه‌ا/ پناه برده‌ایم/ به خوشبختی/ در سایه‌ی سیمان (ص ۲۳–۲۴–۲۵)

شاید این بیمارستان است که بیهودگی یأس، دلمردگی، تنهایی و مرگ را القا می‌کند. توقع خواننده از شعرهایی که در مجموعه «بیمارستان» گرد آمده است نباید بیشتر از این باشد. تا کسی خود زهر درد را نچشیده باشد و روی تخت

آگهی مزایده (مرحله دوم)

آگهی حصر وراثت

خانم قمر دریایی فرزند آقا بابا متولد داراب به شرح دادخواست به کلاسه ۵۵۱ مورخ ۹۴/۶/۱۶ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان امیر فسنائی‌نژاد فرزند اکبر به شناسنامه ۲۲۸ در تاریخ ۱۳۹۴/۵/۲۱ در اقامتگاه دائمی خود شهرستان داراب بدردود زندگی گشته و ورثه حین الفوت آن مرحوم عبارت‌اند:
۱- متقاضی قمر دریایی با شماره شناسنامه ۲۶۱ صادره از حوزه داراب مادر متوفی
۲- زهرا دریایی کد ملی ۴۲۰۵۲۲۶۹۹ صادره از حوزه داراب همسر متوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را برای یک نوبت آگهی می‌نماید تا چنانچه شخص یا اشخاصی اعتراض دارند و یا وصیتنامه از متوفی نزد آنها است طرف یک ماه از تاریخ انتشار آگهی به دادگاه تقدیم نماید بدین‌ی است پس از انقض‌ء مهلت وفق مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد.
۳/۵۶م الف

رئیس شورای حل اختلاف ایثارگران داراب
علی خورشیدی

آگهی موضوع ماده ۴ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت

برابر آراء شماره ۳۱۱۰،۳۱۱۰،۱۹۱۸ و ۱۳۹۴م، ۳۱۱۰،۳۱۱۰،۱۹۱۹ و ۱۳۹۴م مورخ ۹۴/۵/۲۵ هیأت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی شهرستان داراب تصرفات مالکانه و پلامراض متقاضیان ۱- آقای سید مصطفی کماتی به شماره شناسنامه ۱۹۷۵ به شماره ملی ۴۲۹۱۶۱۲۷۷۱ صادره از داراب فرزند سید محمد کاظم ۲- خانم راجل کماتی به شماره شناسنامه ۱۱۷۶ به شماره ملی ۲۴۹۱۲۰۷۱۸۴ صادره از داراب فرزند سید محمدکاظم هر یک موزاری سه دانگ مشاع از جمله شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۰۵۰۰ مترمربع پلاک ۱۰۰۸ فرعی از ۸۱۲۵ اصلی واقع در قطعه ۵ بخش ۱۲ فارس داراب خریداری از مالکین اولیه انتقالی از محمد عبدلیبی شیخ‌الاسلامی و موروثی از خانم اخت‌الزمان عبدلیبی شیخ‌الاسلامی معزز گردید حقوق ارتقائی پلاک ۱۰۷/۸۱۲۵ و مجاور حد جنوبی و پلاک ۱۰۶/۸۱۲۵ از پلاک مزروع حق عبور و مجرای آب دارند. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت داراب تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدین‌ی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۴/۶/۱۶

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۹۴/۶/۲۱

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک داراب
حمید کشاورز

رئیس شعبه دوم اسناد و املاک داراب
حمید کشاورز

آگهی ابلاغ دادنامه حقوقی

بدینوسیله به پیروز میرزایی شوروجه فرزند غضنفر و نسـرین اکبرعمادآبادی فرزند رضاقلی که به صورت تضامنی به موجب دادنامه شماره ۹۴-۹۹۷۲۳۱۰۱۲-۹۴ در پرونده کلاسه ۹۳-۵۴۴ محکوم به پرداخت مبلغ چهارصد و هشتاد میلیون ریال بابت اصل خواسته و خسارت ناشی از تأخیر تأدیبه در اخذ سنی و هشتت درصد در سال از زمان تقدیم دادخواست لغایت روز اجرای حکم، مبلغ ۱۵۷۰۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی و مبلغ ۱۷۲۷۰۰۰۰ ریال بابت حق الوکاله طبق تعرفه گردیده است ابلاغ می‌شود حکم صادره ۲۰ روز از تاریخ انتشار قابل تجدید نظرخواهی می‌باشد. چنانچه نسبت به حکم صادره اعتراض دارند در مدت ۲۰ روز پس از تاریخ انتشار این آگهی درخواست خود را به این مرجع واقع در شعبه اول حقوقی دادگستری فسا تسلیم نمایند. در غیر اینصورت پس از انقضای مهلت مقرر طبق مقررات قانونی اقدام خواهد شد.

مدیر دفتر شعبه اول دادگاه حقوقی دادگستری فسا
ابراهیمی

آگهی فزاید نوبت اول

با توجه به محکومیت سیده نزهت زندوی فرزند سید شکراله به مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و سایر خسارات قانونی مندرج در متن دادنامه شماره ۲۰۶-۹۹۷۲۸۸۳۶۸-۹۱ شوروی حل اختلاف بیرم در حق محکومله محمد دل‌افساکر حقیقی فرزند علی و پرداخت مبلغ ۲۵۰۰۰۰۰ ریال به عنوان حق‌الاجرا در حق صندوق دولت و توقیف شش‌دانگ یک باب ساختمان مسکونی به مساحت ۶۲۰/۰۵ مترمربع تحت پلاک ثبتی شماره ۳/ ۹۶۵ واقع در شهر بیرم پهنـت شهرداری با مشخصات سفید کاری – کف موزاییک و سرامیک، دیوار گاشی، اسکلت بلوکی، سقف بتونی و بیرون پلاستر شده که از سوی کارشناس رسمی دادگستری به مبلغ ۷۵۰۰۰۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است، این اجرا در نظر دارد از طریق مزایده به تاریخ ۱۳۹۴/۷/۲۰ ساعت ۹ صبح الی ۱۱ در محل اجرای احکام حقوقی دادگاه عمومی بیرم به قیمت پایه مزایده به مبلغ مذکور به فروش برساند. لذا طالبین می‌توانند در جلسه مزایده شرکت نموده و پیشنهادات خود را ارائه نمایند. برنده مزایده کسی خواهد بود که بالاترین مبلغ را پیشنهاد نماید. ده درصد مبلغ مزایده فی‌المجلس اخذ و باقی مانده ظرف مدت ۲ هفته باید تأدیبه شود. هزینه درج آگهی و تشریفات مزایده به عهده برنده مزایده خواهد بود.

۱۴۹۲۲/م الف

دفتر اجرای احکام مدنی دادگاه عمومی بخش بیرم

آگهی فقدان سند مالکیت بخش ۳ شیراز

اسماعیل تابع بردبار با تسلیم سه برگ استشهادیه که در دفتر اسناد رسمی شماره ۲۳۰ شیراز تنظیم گردیده است مدعی است که تعداد یک جلد سند مالکیت مربوط به پلاک ۸/۵۶۸۱ واقع در بخش ۳ شیراز که ذیل ثبت ۱۳۷۲۰ صفحه ۲۳۶ دفتر ۷۷۶ به نام اسماعیل تابع بردبار ثبت و سند مالکیت شماره ۹۶۱۹۱-۹۶۱۱۰ صادر شده و به موجب سند شماره ۱۸۸۴ مورخ ۹۲/۱/۱۰ دفترخانه ۳۳۰ شیراز نزد بانک مسکن در رهن است به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده است و نامبرده تقاضای صدور سند المثنی نموده مراتب طبق ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت آگهی می‌شود که هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای کرده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا خلاصه معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مدت مقرر اعتراض نرسید و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود اداره ثبت سند مالکیت المثنی را طبق مقررات صادر و به متقاضی تسلیم خواهد کرد.

۱۵۰۲۲/م الف

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه سه شیراز
سپروس لطفی ایبوردی

آگهی فقدان و تشکیل المثنی پرونده

شش‌دانگ پلاک ۱۳/۱۶۶۸ باقیمانده ۱۶۶۸ واقع در بخش یک شیراز به نام نزهت‌الشریعه فاطمینا سپس برابر سند شماره دادنامه ۴۶۳ مورخ ۷۷/۷/۲۱ شعبه ششم دادگاه عمومی به محمدحسن کاظمی کاشفی شیرازی احد از ورثه انتقال قطعی یافته است و پرونده رقبه فوق مفقود گردیده و با اقدامات انجام شده تاکنون پیدا نشده، لذا برابر دستور شماره کد ۳۳-۱ سازمان ثبت اسناد کشور و بند ۳۳۳ مجموعه بخشنامه‌های ثبتی که سیستم عملیات آن پس از بخش نامه به دفاتر اسناد رسمی مبنی بر انجام معامله نسبت به پلاک مزبور و با توجه به دستور العمل قانونی در یک نوبت آگهی چنانچه شخص یا اشخاص حقوقی و حقیقی اعتراض و یا اینکه در پرونده مربوطه حق و حقوقی برای خود قائلند از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت یک ماه کتبا مراتب اعتراض خود را با مدارک مستند به این اداره تسلیم نمایند. چنانچه ظرف مهلت مقرر اعتراض خود را با مدارک مستند به این اداره تسلیم نمایند بدین‌ی است چنانچه ظرف مهلت مقرر اعتراض نرسیده و یا در صورت اعتراض مدارک مستند ارائه نشد اداره ثبت به اسنادا نام مالک عملیات ثبتی را ادامه خواهد داد.

۱۵۰۲۵/م الف

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان فارس

مرجع ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری شیراز

آگهی حصر وراثت

خانم طوبی اسمعیلی دارای شناسنامه شماره ۲۳۶۷ متولد ۱۳۳۴/۳/۱۳ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۴/۹۴ آندیکاتور از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان سید علی امینی فرزند منصور به شناسنامه ۱۲ متولد ۱۳۴۱/۱/۲۲ در تاریخ ۱۳۸۵/۶/۲ در اقامتگاه دائمی خود بدردود زندگی گشته و ورثه حین الفوت آن مرحوم عبارتند از:
۱- متقاضیه با مشخصات فوق‌الذکر مادر متوفی
۲- سید منصور امینی فرزند سید اشرف به شماره شناسنامه ۲۱۵۴ متولد ۱۳۳۹/۱/۲ صادره از حوزه استهبان پدر متوفی
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را برای یک نوبت آگهی می‌نماید تا چنانچه شخص یا اشخاصی اعتراضی دارند و یا وصیتنامه از متوفی نزد آنها است ظرف یک ماه از تاریخ انتشار آگهی به دادگاه تقدیم نماید بدین‌ی است پس از انقض‌ء مهلت وفق مقررات اتخاذ تصمیم خواهد شد.

۱۴۹۲۲/م الف

رئیس شعبه دوم شورای حل اختلاف شهرستان استهبان
زین‌العابدین عدالت